PDF Compressor Free Version

دکه‌های روزنامه‌فروشی، نمادهای ضروری شهری و تغییر کاربری

فلسفه‌ای برای دکه‌های روزنامه‌فروشی

صاحب دکه می گوید با روزنامه و مجله‌فروشی، حتی نمی تواند اجاره دکه را بدهد، چه برسد به تامین زندگی اش. ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد دکه از فروش سیگار است، تعرفه فروش روزنامه و مجله در طول این همه سال، همان ده درصد باقی مانده و این ده درصد، ده درصدِ درآمد دکه را هم شامل نمی شود. بخش دیگر درآمد دکه‌ها از فروش خوراکی های مختلف به دست می آید.





آذر فخری، روزنامه نگار

در میان بحث و مجادله سیاسی و تحلیل های درست و نادرستی که به هم تحویل می دهند، ناگهان راننده تاکسی کنار یک دکه روزنامه‌فروشی ترمز می کند و می گوید اگر مسافران اجاز بدهند او از دکه یک بسته سیگار بخرد و برگردد. و البته که منتظر اجازه مسافران نمی ماند؛ دوان دوان می رود و سیگارش را می خرد و دوباره راه می افتیم. مسافری که جلو نشسته و از اول هم سر مباحث سیاسی را او باز کرده بود؛ این بار می رود سراغ دکه‌های روزنامه‌فروشی که همه چیز می فروشند به جز روزنامه و مجله. هر کدام از مسافران هم در تایید حرف او چیزی می گویند؛ یکی معمولا از این دکه‌ها کیک و آب میوه می خرد: صبح‌ها که می رود سر کار؛ این صبحانه هر روزه اوست. دیگری می گوید وسایل سیگار پیچیدن را از دکه روزنامه‌فروشی می خرد و اصلا برای این کار، همیشه سراغ یک دکه آشنا می رود که به او اطمینان دارد و تنباکوی خوب تحویلش می دهد. راننده و دو مسافر سیگاری دیگر، از این آقایی که سیگار دست پیچ مصرف می کند؛ آدرس آن دکه را می گیرند. به هر حال سیگار دست پیچ هم حال و هوای خودش را دارد! هر روز موقع برگشتن، از محل کار تا ایستگاه مترو پیاده می روم. در طول این مسیر نیم‌ساعته، فقط یک کیوسک روزنامه‌فروشی هست که تمام روزنامه‌ها و مجله‌ها را کنار پیاده‌رو و خارج از چهار چوب و محدوده دکه‌اش، پهن می کند، داخل دکه پر از خوراکی ها و مواد ولوازم مختلف دخانی است؛ یک یخچال فریزر هم آن توهست برای نوشابه و آب میوه خنک، و می توانی از این دکه، انواع فندک و پیپ و هر چیز دیگری که در این زمینه لازم داشته باشی بخری. مشتری های ثابتش، کارمندان شرکت‌ها و فروشگان همان خیابان هستند که بعد از خریدن سیگار و آتش زدن آن، دقایقی می ایستند و تیتر روزنامه‌ها را می خوانند و تا تمام شدن سیگارشان، گپی می زنند.

المان فرهنگی فراموش شده

از دبیرستان که می زنند بیرون، صاف می روند سراغ دکه روزنامه‌فروشی که سال‌هاست همسایه این دبیرستان پسرانه است. دکه‌ای که در طول این سال‌ها با فروش انواع و اقسام سیگار و مواد مخدر، باعث بدنامی دبیرستان هم شده است. اما اغلب والدین، چاره‌ای جز ثبت نام فرزندان‌شان در این تنها دبیرستان پسرانه محل ندارند؛ هم دولتی و هم نزدیک است. بقیه را او اگذار می کنند به شانس و تاثیر خودشان بر روی آن‌ها و «عقل» بچه‌های‌شان: بچه که عاقل باشد، سراغ این چیزها نمی رود. برای خیلی از آن‌هایی که در این محل زندگی می کنند، حضور مصمم و همراه با سماجت این دکه روزنامه‌فروشی در کنار دبیرستان پسرانه، همیشه سوال بوده و گاهی با شکایت‌های رسمی و غیر رسمی کار به مشاجره هم کشیده شده و گاهی دکه برای یک هفته‌ای تعطیل شده است. اما این داستان، قرار نیست تمام شود. صاحب دکه می گوید با روزنامه و مجله‌فروشی، حتی نمی تواند اجاره دکه رابدهد، چه برسد به تامین زندگی اش. ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد دکه از فروش سیگار است، تعرفه فروش روزنامه و مجله در طول این همه سال، همان ده درصد باقی مانده و این ده درصد، ده درصدِ درآمد دکه را هم شامل نمی شود. بخش دیگر درآمد دکه از فروش خوراکی های مختلف به دست می آید. خانمی که معمولا از این دکه، مجله می خرد، می گوید او اول فکر می کرد م وضع مالی صاحب این دکه چندان خوب نیست و همیشه دلم به حالش می سوخت که در گرما و سرما، داخل این قوطی سرمی کند و منتظر است کسی بیاید روزنامه‌ای، مجله‌ای بخرد. اما از وقتی با ما همسایه شده‌اند، فهمیده‌ام که اوضاع شان چندان هم بد نیست. دکه‌دار، اهل انکار و حاشا نیست. کار کشته این کار است و همین که توانسته این همه سال دوام بیاورد، یعنی چم و خم کارش را خوب بلد است. او می گوید وضع مالی کیوسک دارهای روزنامه فروشی، بد نیست و گرچه بستگی به منطقه و محل استقرار شان دارد، اما درآمدشان از پنج میلیون در ماه هست تا پنجاه میلیون! همه چیز بستگی به این دارد که دکه‌دار، چه‌قدر در کارش وارد باشد و بازار دور و برش و مشتری هایش را بشناسد و بتواند آن‌ها را از دست سوپری های محله قاپ بزند! وقتی درباره ماهیت فرهنگی دکه و کار خودش می پرسم، پوزخندی می زند و می گوید: ای بابا! شما می خوانند، اما در گوشی های‌شان و در شبکه‌های مختلف مجازی. ضمن آن که هر خبر گزاری و خیلی از روزنامه‌ها، کانال هایی دارند که روزنامه فردا را می شود شب قبل، از آن جا دریافت کرد! و این یعنی روزنامه، چندان هم که فکر می کنید به روز نیست و خبر گزاری و کانال های خبری، حال بهتری دارند.

دکه‌های روزنامه‌فروشی، این المان‌های دوست‌داشتنی شهری، که زمانی در کنار دیگر عناصر و زنجیره تولید فرهنگ، یکی از حلقه‌های موثر بودند، این روزها، همراه و هم‌قدم، و پای ثابت شراکت و بهره برداری از بازار داغ دخانیات و مواد مخدرند

روزنامه و مجله کاغذی گران است. این هم یکی از دلایل دکه‌داران است برای فروش نرفتن روزنامه‌ها: «آخه وقتی می شه همه این خبرها رو توی کانال ها خوند، طرف برای چی بیاد پول بده دوباره روزنامه بخره؟ الان این چند تا روزنامه رو هم پیرزن، پیرمردایی می خرن که یا بلند نیستن از اینترنت استفاده کنند یا هنوز کاغذی خوندن رو دوست دارن!» عده‌ای معتقدند، فروش اقلام غیرفرهنگی توسط کیوسک‌های روزنامه‌فروشی، از زیاده خواهی و طمع آن هاست؛ اما با یک حساب سرانگشتی، می توان به واقعیتی که خود آن ها اشاره می کنند، رسید. شهرداری گاهی تلنگری به این رفتار و روش غیرفرهنگی و گاه غیر اخلاقی می زند. تعطیل می کند، فسخ قرارداد می کند، مکان کیوسک را عوض می کند... اما کیوسک داران هم برای خودشان اتحادیه دارند و توانسته‌اند در طول این مدت سر و سامان حقوقی به خودشان بدهند. سراغ اتحادیه هم بروی، همین حرف های دکه داران را تحویل می دهند؛ مردم رغبتی به خرید روزنامه ندارند و دکه‌ها عملا در حال تغییر کاربری هستند. وقتی هم که فشار ممنوعیت فروش سیگار و سایر اقلام غیر فرهنگی، زیاد می شود، آن ها دکه را تحویل می دهند و می روند. یکی از جوانانی که فقط چند سالی است که وارد این شغل شده، با بی خیالی می گوید اگر قرار باشد سیگار و هر چیز دیگری که می شود فروخت را نفروشم، دکه را ول می کنم و می روم پی کار دیگر و دکه را تحول می دهم. وقتی می پرسم چه کاری؟ می گوید: «چه فرقی می کنه، فکر کن دزدی!»

فلسفه کیوسک داری!

مدیر عامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران، فرهاد افشار، نیز درباره ساماندهی کیوسک ها، رنگ آمیزی و تغییر شکل و تنوع آن ها به همین نکته اشاره می کند: امروز با وجود گوشی های هوشمند و قابلیت بارگذاری اخبار در فضای اینترنت و سطح گسترده دسترسی شهروندان به این نرم افزارهای خبرخوان همگی باعث شده اهمیت کیوسک ها مانند سابق نباشد. بر این اساس برای شکل فیزیکی این کیوسک ها در آینده مسیر پژوهش باز خواهیم کرد که بهترین کار را بتوانیم انجام دهیم و معضلات این پدیده را در شهر حل کنیم یا به حداقل برسانیم. او درباره تفهیم فلسفه کیوسک داری حرف می زند. و چه خوب است که در کشور ما، هیچ چیز هم که نباشد، «فلسفه» برای تبیین مسائل مختلف وجود دارد. سیگار، تنباکوهای قلیان، پیپ و فندک، اقلام خوراکی، آب میوه، کنسرو، آب معدنی، بیسکویت، چیپس، پفک و... می توان با چنین برداشتی به «فلسفه» کیوسک های روزنامه فروشی نگاه کرد؛ بقالی های کوچکی که گاهی روزنامه هم در بساط شان پیدا می شود!

روزنامه و مجله کاغذی گران است. این هم یکی از دلایل دکه‌داران است برای فروش نرفتن روزنامه‌ها: «آخه وقتی می شه همه این خبرها رو توی کانال ها خوند، طرف برای چی بیاد پول بده دوباره روزنامه بخره؟

شما یادتان نمی آید، اما روزگاری، کسانی بودند که از ترس تمام شدن روزنامه، صبح زود تر از خودد که چی، جلوی دکه صف می کشیدند. گاهی روزنامه، به چاپ دوم هم می رسید. و این یعنی کیوسک روزنامه فروشی، فلسفه‌اش را بلد بود و یا حداقل به آن احترام می گذاشت. اما حالا اکثر شهروندان، سیگار مورد نیاز خود را از کیوسک های روزنامه فروشی می خرند. خیلی هاهم هستند که اصلا تا به حال از این دکه‌ها جز سیگار، چیز دیگری نخریده‌اند و نمی دانند و یا اصلا متوجه نیستند که آن دکه، قرار است روزنامه بفروشد و از قضا، روزنامه هم دارد! دکه‌داری که می گوید اگر قرار باشد، سیگار نفروشد، دکه را رها می کند و تبدیل می شود به یک سیگارفروش دوره گرد، می داند از چه درآمد کلانی حرف می زند. او در هر لباس و کسوتی، و به هر شکلی و تحت هر شرایطی که سیگار بفروشد، می تواند چرخ زندگی اش را بچرخاند و دکه روزنامه فروشی، عملا برای او یک مکان ثابت و ایده‌آل برای این کار است و با اجاره تقریبا ناچیزی که بابت آن می پردازد، جنس و مشتری همیشه حاضر خود را دارد. در این کار، ریسک کمتر و امنیت بیشتری وجود دارد، سیگار و سیگاری همیشه هست و البته علی رغم تکاثر الله هر روز بر تعداد آن ها افزوده می شود. و هم، سن افراد سیگاری کم شده و هم دختران و زنان نیز در حال پیوستن به این خیل عظیم هستند.

از گوشه و کنار

دسترسی آسان به مواد مخدر در فضای مجازی



سردار زاهدیان رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر کشور با اشاره به فضای مجازی به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای تبلیغ مواد مخدر گفت: امروز دسترسی راحت به واسطه فضای مجازی به مواد مخدر این آسیب پذیری را برای نوجوانان، دانش آموزان و دانشجویان ایجاد کرده است. وی تاکید کرد: در حوزه پیشگیری همه دستگاه‌ها باید وظایف خودشان را انجام دهند. اگر ما قدرت ایمنی را در بین آحاد جامعه افزایش دهیم قطعا تاثیر پذیری افراد بیشتر می شود، همان طور که هر چه‌قدر برنامه های پیشگیری افزایش یابد در کاهش گرایش به اعتیاد تاثیر مستقیم دارد. وی اضافه کرد: از سوی دیگر ارتباطات لازم در این موضوع را با افراد متولی هر بخش برقرار کردیم، به‌طوری که سال گذشته یک میلیون و ۶۰۰ هزار دروه آموزشی برگزار کردیم و امسال هم به جد این برنامه‌ها ادامه دارد. همچنین سرهنگ محمد بخشنده، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ، با بیان این که کارشناسان فتای پلیس مبارزه با مواد مخدر فاتب، به‌صورت شبانه روزی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را برای شناسایی سوداگران مرگ در فضای مجازی، رصد می کنند، تصریح کرد: در صورت مشاهده موارد خلاف و موضوعات مجرمانه در زمینه تبلیغ و یا فروش مواد مخدر و روانگردان در فضای مجاری، با متخلفان برابر قانون و مقتدرانه برخورد خواهد شد.

شادی جمعی را تجربه کنیم

عضو شورای شهر تهران گفت: همان طور که مردم در ماه‌های محرم و صفر و ایام شهادت به صورت خودجوش به عزاداری می پردازند، باید بتوانند تجربه شادی دسته جمعی در کنار همدیگر داشته باشند. وی ادامه داد: ما امیدواریم با پیوند بین شورای شهر، شهرداری، مردم و صدا و سیما که به‌عنوان دریچه‌ای که شادی را برای میلیون‌ها نفر باز می کند، بتوانیم شادی را برای همشهریان تهرانی به ارمغان آوریم. امروز می بینیم زنان و مردان، کودکان و جوانان و بزرگسالان با آرامش، شادی و نظم در کنار همدیگر به شادی می پردازند و فرصت خوبی را برای ایجاد نشاط در تهران بزرگ فراهم آورده است.

حذف تکدی گری با توجه به لایه‌های پنهان!



آیا می توان یک ساله متکدیان را از سطح شهر تهران حذف کرد؟ رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران، الهام فخاری گفت: تکدی گری به موضوعات زیادی وابسته است و نمی توان مسائل آسیب شناسی و رفتارهای غلط اجتماعی را با طرح‌های ضربتی حل کرد. در سایر مسائل اجتماعی دیده ایم که طرح‌های ضربتی جواب نداده و آن مشکل هم چنان ادامه دارد. فخاری تصریح کرد: برای اجرای یک قانون باید به حواشی و لایه‌های متفاوت آن توجه کرد. در خصوص تکدی گری، حتماً نیاز است به لایه‌های اقتصادی، پشت پرده متکدیان حرفه‌ای و از آن سمت افرادی که به دلیل تهی دستی و حاشیه‌نشینی دست به این کار می زنند، توجه کرد. به‌خصوص در وضعیت کنونی که برخی به دلیل نامساعد بودن شرایط آب و هوایی دست به مهاجرت زده و دچار استیصال شده‌اند و در کلان شهرها نتوانسته‌اند کاری برای خود پیدا کنند و چاره‌ای برای گذران زندگی ندارند، دست به این کار می زنند. این افراد با متکدیان سازمان یافته متفاوتند. بنابراین باید بدانیم اجرای این قانون، اجرای یک بند ساده قانونی نیست و باید به پس و پیش‌های آن نیز توجه کنیم. این که فخاری در خصوص وجود کلان شهرهای بدون گدا در ایران اظهار داشت: اینها تکدی گری را حذف نکردند بلکه دیواری دور شهر کشیده‌اند که گدایان را پشت مرزهای شهر نگه داشته‌اند. حاشیه‌نشینی و آسیب‌های حاصل از آن پشت دروازه‌های این شهر هستند نه آن که این مشکل در آن شهرها حل شده باشد.

یادداشت

اضطراب امتحان، فرساینده روان دانش آموزان است



فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

وزارت آموزش و پرورش امسال طی دستور العملی اعلام کرد آزمون‌های ورودی مدارس در مقطع ابتدایی حذف می‌شود. طبق این قانون برگزاری هر آزمونی برای ورود به پایه هفتم دوره ابتدایی توسط مدارس تیزهوشان، مدارس نمونه مردمی و همچنین آموزشگاه‌هایی که آزمون های دوره ابتدایی را برگزار می کردند نیز ممنوع می‌باشد. این آزمون‌ها با ایجاد فضای رقابتی ناسالم به‌شدت اثرات مخرب و آسیب‌زایی را برای دوره مهم کودکی به بار می آورد. این آزمونها علاوه بر آن که فشار و استرس بسیار زیادی بر خانواده‌ها و فرزندان وارد می کرد، هزینه های بسیار گزافی را نیز برای شرکت در کلاسهای خاص بدنبال داشت.

با حذف آزمون‌های ورودی، دانش آموزان از غول استرس زای آزمون‌های ورودی رها شدند و سایه ی «استرس و اضطراب» از دوره کودکی که از مهمترین مراحل رشدی- تحولی به لحاظ شخصیت و رفتار است محو گردید؛ حال آنکه با تاکید بر محور قرار دادن نشاط و شادی برای کودکان، بستر لازم برای رشد، پرورش و تعلیم آنان فراهم می‌شود و در این میان زمینه‌ای فراهم می‌شود تا تربیت، جانی تازه در مقطع ابتدایی بگیرد سوالی که می‌توان از خانواده‌ها پرسید آن است که آیا می دانید اضطراب امتحان چیست و چه تنش‌های جسمی و فیزیولوژیکی را در انسان ایجاد می کند؟ آیا نسبت به افکار و احساسات منفی ناشی از امتحان آگاهی دارید؟

بطور کلی از دیدگاه روانشناسان «اضطراب امتحان» مقوله‌ای است که با عملکرد تحصیلی ارتباط مستقیمی دارد و شدت آن عملکرد فرد را تحت الشعاع قرار داده، منجر به افت تحصیلی دانش آموزان می‌شود. «اضطراب» تمرکز و تفکر را مختل کرده، کارایی حافظه را در یادگیری و یادآوری مطالب کاهش می‌دهد؛ پریشانی حواس بوجود می آورد که در فرهنگ عمومی از آن به نام «حواس پرتی» یاد می‌شود و موجب فراموشی آموزه‌ها و دانسته‌ها می‌شود؛ پریشانی خاطر را به دنبال دارد و قدرت تصمیم گیری را از فرد می گیرد. اضطراب، هیجان ناخوشایندی است که با اصطلاحاتی نظیر دلشوره، نگرانی، ترس، و وحشت بیان می‌شود و همه انسان‌ها گاه به گاه درجاتی از آن را تجربه می کنند.

اضطراب بعد از مولفه‌های هوش و توانایی به عنوان مهمترین عامل اثرگذار بر عملکرد تحصیلی شناخته می‌شود و افزایش آن می‌تواند منجر به کاهش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شود. البته «اضطراب تحصیلی» به دو صورت «اضطراب تسهیل کننده» و «اضطراب ناتوان کننده» بروز می‌یابد. اضطراب تسهیل کننده میزان متوسطی از فشار و اضطراب است که کارکرد فرد را تسریع می‌بخشد و مفید است اما اگر اضطراب و استرس از حد معمول و معینی بالاتر رود و باعث شکل گیری احساس درماندگی، عدم تمرکز و پریشانی خاطر، اختلالات ذهنی و شناختی شود قطعا مشکلات عدیده‌ای را در سطح عملکرد فردی و اجتماعی ایجاد می کند که افت تحصیلی یکی از آنهاست. معمولا زمان بروز و شکل گیری اضطراب امتحان در سنین ۱۰ تا ۱۲ سالگی است؛ میزان و شدت اضطراب در میان یک چهارم از دانش آموزان با افزایش سن، افزایش می‌یابد و این مساله آسیب‌ها و مشکلات خاص خود را به همراه دارد و سبب بروز انواع اختلالات اضطرابی در بزرگسالی خواهد شد. از این منظر خانواده‌ها به جای آنکه مبالغ هنگفتی را برای حضور فرزندانشان در کلاسهای آمادگی دروس مختلف هزینه کنند می‌توانند با مشاوره با متخصصان کارآزموده روانشناسی از بروز چنین اختلالاتی در شخصیت فرزندشان ممانعت به عمل آورده، به فرزندانشان کمک کنند دوران کودکی و نوجوانی را با آرامش و نشاط بیشتری پشت سر بگذارند.

روانشناسان معتقدند برخی عوامل نظیر تنبیه کودک به واسطه نمره پایینی که دریافت کرده، انتظاراتی که معلم از دانش آموز دارد، دشواری و سختی امتحان، طبقه اجتماعی خانواده، بهره هوشی دانش آموز، مهارتهای تحصیلی و همچنین روش‌های مطالعه‌ای که دانش آموزان به کار می گیرند همگی از جمله فاکتورهایی هستند که بر شدت و میزان اضطراب شکل گرفته در کودکان تاثیر کستقیم دارد. البته بر همین اساس می توان عوامل بوجودآورنده اضطراب امتحان را به سه دسته ۱) عوامل فردی ۲) خانوادگی ۳) مدرسه‌ای طبقه‌بندی کرد که مهمترین آنها تعامل سازنده والدین با فرزندان است.

والدین کودکانی که دارای اضطراب امتحان هستند با سخت گیری های بیش از اندازه، عدم حمایت و تشویق، الگوهای خشک فرزندپروری، توجه بیش از حد به مسائل تحصیلی، ایجاد رقابت های غیر منطقی، نیاز به محبت و امنیت کودکانشان را نادیده می گیرند؛ این دسته از والدین بدون توجه به علایق و استعدادهای فرزندانشان آنان را تحت فشار قرار می دهند و تمایل دارند آرزوهای تحقق نیافته خود را به فرزندانشان تحمیل نمایند. حال که وزارت آموزش و پرورش در اقدامی مثبت آزمونهای ورودی را از میان برداشته است جای خالی مشاوران روانشاسی در مدارس برای کمک به دانش آموزان و خانواده‌ها به شدت محسوس است.